

حضرت ابوهریره رضی الله عنه، راوی خستگی ناپذیر

بسم الله الرحمن الرحیم
 حضرت ابوهریره رضی الله عنه

بارها در موضوع تدوین احادیث رسول خدا ایجاد شک و تردید نمودند و بارها حاملین احادیث نبوی را مورد سؤال و اتهام قرار دادند و چه بسا با استناد به روایات غیر معتبر تاریخی و سوء استفاده از نظریات مسلمانان فریب خورده و ناآگاه، نظریات خویش را توجیه نمودند.

تردیدی وجود ندارد که اگر چنانچه حاملین نخست یک دین از صلاحیت لازم برخوردار نباشند و تظاهر به آن دین نموده باشند و به قصد تخریب و نابودی دین حلقه آن را به گردن آویخته باشند، بدیهی است که آن دین شایستگی بقا و رهبری و ارشاد بشر را از دست می دهد، زیرا آیینی که حاملینش افراد مغرض، بی کفایت، دروغگو و ناصالح و پرچمدارانش غاصب، ظالم، عیاش و تن پرور باشند و با چنین اسنادی به بشریت عرضه شود، چگونه می تواند از اعتبار لازم و صحت کامل برخوردار باشد؟ و چگونه می تواند انسانیت را ملزم به اطاعات از خویش گرداند؟ عیناً چنین حرکتی در تحریف مسیحیت توسط «بولس شائول» انجام گرفت. وی که یک فرد یهودی و دشمن سرسخت مسیحیان بود بعد از اینکه از مبارزه علیه مسیحیت خسته گردید و از استقامت پیروان مسیح به ستوه آمد نقشه ای را طرح نمود که در تخریب مسیحیت و رسیدن شائول به اهداف مورد نظرش بی نظیر بود، او با اعلان اینکه به دین مسیحیت گرویده است و مسیح بر وی نمایان گشته و دعوت به سوی مسیحیت را به وی سپرده است به عنوان یکی از داعیان دین مسیح درآمد و دیری نپایید که مسئله الوهیت حضرت مسیح و «آقانیم سه گانه» و صدها خرافه و شرک دیگر را با نسبت دادن به حضرت مسیح در این دین درآورد.

بدین ترتیب بولس شائول توانست به اهداف خویش برسد و برای همیشه مسیحیان را دچار شرک و تباهی گرداند و مانع از آن شد که مسیحیان در پرتو تعلیمات صحیح حضرت مسیح که بارها به بعثت نبی آخر الزمان یعنی رسول خدا صلی الله علیه و سلم بشارت داده بود به دین اسلام درآیند، و برای همیشه با پیروی از تحریفات شائول از دین واقعی یعنی اسلام محروم گردند.

بنابر دیدگاه اسلام و دین، خداوند متعال از بدو آفرینش انسان همواره این موجود را مورد لطف بی کران و عنایت خویش قرار داده است. علاوه بر الطاف ظاهری و مادی در راستای استمرار حیات و ادامه زندگی، نیازهای معنوی و درونی وی را جهت انتخاب راه درست و فراگرفتن شیوه صحیح زندگی و جهت گیری مناسب نیز نادیده نگرفته است و بلکه خداوند متعال بنابر حکمت لایزال خویش از بنی نوع انسان افرادی را تحت عنوان انبیا و رسولان در فواصل مختلف تاریخ جهت تحقق بخشیدن به این مهم مأموریت داده و برنامه های رهایی بخش خود را جهت نجات انسانیت از تاریکیها و خرافات، فساد و تزویر، ظلم و استبداد، بدبختی و فلاکت، بی بندباری و بی نظمی نازل فرموده است.

نقش یاران انبیا در حفظ رسالت آنها

تاریخ صحیح و سیرت انبیای گذشته شاهد است که اطرافیان انبیا و یاران از خود گذشته آنان در موفقیت نبی مزبور و میزان اثرگذاری پیام وی در دنیا نقش بسزایی داشته اند.

یاران صدیق آنها چه در دوران حیات انبیا و چه بعد از وفاتشان حق امانت و مسئولیت را اداء کردند و خداوند متعال وظیفه ابلاغ دعوت و حفظ فرامین دین را بعد از نبی زمان به عهده مخاطبین اول و یاران شیفته آن پیامبر گذاشته است. آنچه قابل ملاحظه هر پژوهشگر واقع بین و با انصاف در عرصه تجزیه و تحلیل تاریخ ادیان، به خصوص دین اسلام است، اهمیت نخستین حلقه مخاطبان دین می باشد که قدرت استحکام، اصالت، صحت و بی آلاشی آن، اثرات عمیق و انکار ناپذیری در اصل دین دارد. و ناگزیر به همان میزان ضعف و سستی، ناپایداری و تزویر، جعل و ساختگی، شک و تردید، اثرات نامطلوب و منفی عمیقی در اصل و اساس دین دارد.

یقیناً به همین دلیل است که دشمنان اسلام بخصوص بعضی از خاورشناسان مغرض، با درک این مطلب که چشمه را باید از منبع و منشاء آن خشکاند و گل آلود نمود، نوک تهاجمات و حملات مذبحخانه خویش را متوجه منابع اسلام گردانیدند و به این منظور

هر چند در باب تحریف مسیحیت و عدم حفاظت آن از دستبرد تحریف گران و فراهم شدن امکان تصرف در آن دین، این نکته قابل توجه است که حفاظت آیین مزبور از جانب خداوند متعال تضمین نشده بود و ضمن اینکه دوره عملی و کارایی آن محدود بود، از جانب خداوند متعال اعلام جاودانگی نیز صورت نگرفته بود و باید یا مبعث رسول خدا صلی الله علیه و سلم به پایان می رسید و مسیحیان با استناد به انجیل باید منتظر رسول خدا صلی الله علیه و سلم می بودند و بابتش به وی ایمان می آوردند. که مع الأسف تحریفات بولس شائول و امثالش اثرات جبران ناپذیری را در این مرحله از تاریخ یعنی انتقال مسیحیان به سوی اسلام در پیکره مسیحیت به جای گذاشت و این نکته را که حاملین مغرض می توانند ضربات سختی را بر پیکره دین مورد نظر وارد نمایند، به اثبات رسانند.

اما در باب اسلام قضیه متفاوت است علاوه بر عصمت رسول خدا صلی الله علیه و سلم که سایر انبیا نیز معصوم هستند، خداوند متعال حفاظت و صیانت این دین را خود تضمین نموده است و فرموده است: «أَنَا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَأَنَا لَهُ الْحَافِظُونَ» که علت حفاظت دین نیز بر می گردد به جاودان بودن و همیشگی بودن آن، و لزوماً دینی از جاودانگی برخوردار است که از دستبرد مغرضان محفوظ باشد.

باید به خاطر داشته باشیم که خداوند متعال در راستای حفاظت دین از حاملان نخستین این دین تقدیر نموده و در موارد متعددی از کلام پاکش صلاحیت و کفایت آنان را تأیید کرده و سایر امت را بر پیروی از آنان و الگو قرار دادن آنان تشویق می نماید. و این همان نکته ای است که تمایز این دین را از سایر ادیان روشن می گرداند و این بدان معنی است که خداوند متعال جهت حفاظت آخرین پیامش، نخستین حلقه اتصال این دین با پیامبر و مخاطبین اولین آن را نیز از بین سایر امت برگزیده است، و آنها را که برگزیده و بهترین انسانها هستند، سند این دین قرار داده است. چنانکه در سوره فتح می خوانیم: «محمد رسول الله والذین معه أشداء علی الکفار رحماء بینهم تراهم رکعاً سجداً یبتغون فضلاً من الله و رضواناً»؛ محمد صلی الله علیه و سلم رسول خداست و کسانی که با اویند بر کافران سخت گیر و نسبت به یکدیگر مهربان و دلسوزند. آنان را در حال رکوع و سجده می بینی. آنان همواره فضل خدای را می جویند و خشنودی او را می طلبند.

بنابراین ما بر این باور هستیم و اذعان داریم که حاملین نخست دین یعنی کسانی که به پیامبر ایمان آوردند و با ایمان از دنیا رفتند و به تعبیری مصداق تعریف صحابی هستند: «ان الصحابی من لقی النبی مؤمناً و مات علی الاسلام»؛ صحابی کسی است که با پیامبر ملاقات نموده و به وی ایمان آورده است و با ایمان از دنیا رفته است. هر چند معصوم نیستند، اما از عدالت لازم و صلاحیت مطلوب جهت رساندن دین و ابلاغ احکام شریعت برخوردار می باشند^(۱).

با ملاحظه مقدمه فوق به اصل موضوع که بیان شرح حال صحابی جلیل القدر، حافظ و راوی خستگی ناپذیر حدیث، حضرت ابوهریره رضی الله عنه است می پردازیم.

نام و کنیه ابوهریره رضی الله عنه

هر چند در مورد نام حضرت ابوهریره رضی الله عنه و نام پدرش اختلاف زیادی وجود دارد، اما علامه ابن حجر رحمه الله می فرماید: «مرجعها من جهة صحة النقل ثلاثة: عمیر و عبدالله و عبدالرحمن، الأولان محتملان فی الجاهلیة و الاسلام و عبدالرحمن فی الاسلام خاصة»^(۲)؛ نهایت تمام نظریات (در مورد اسم ابوهریره رضی الله عنه) با توجه به صحت نقل به سه مورد ختم می شود: عمیر، عبدالله و عبدالرحمن، دو اسم اولی احتمال و ثبوتشان هم در اسلام و هم در جاهلیت می باشد اما عبدالرحمن صرفاً در اسلام ثابت است.

مشهور آنست که نام ایشان در جاهلیت «عبد شمس» بوده است و بعد از اسلام آوردن، رسول خدا صلی الله علیه و سلم نامش را تغییر داد و «عبدالرحمن» گذاشت. در مورد کنیه اش «علامه ابن عبدالبر» می فرماید: قد روینا عنه انه قال: «كنت أحمل هرة فی کمی، فرأی رسول الله صلی الله علیه و سلم فقال لی: ما هذه؟ قلت: هرة قال: یا اباهریره!»^(۳)؛ ابوهریره می گوید: گربه ای را با خود همراه داشتم، رسول خدا صلی الله علیه و سلم مرا دید و گفت: این چیست؟ گفتم: گربه ای است فرمود: یا اباهریره.

برخی با توجه به عدم آگاهی از حقیقت و واقعیت، وجود اختلافات پیرامون اسم ابوهریره رضی الله عنه را نوعی طعن و سبب عدم شهرت ایشان در جمع صحابه دانسته اند که این نوع استدلال جز اینکه ناشی از بغض و عدم انصاف است، اعتباری دیگر ندارد. زیرا روشن است که ارزش یک انسان منوط به اعمال و کردار وی است نه

✓ خداوند
متعال جهت
حفاظت آخرین
پیامش،
نخستین حلقه

اتصال این
دین با پیامبر
و مخاطبین
اولین آن را
نیز از بین
سایر امت
برگزیده است،
و آنها را که
برگزیده و
بهترین انسانها
هستند، سند
این دین قرار
داده است.

به اسامی و القاب، در حالیکه نه تنها ابوهریره رضی الله عنه بلکه تعداد زیادی از صحابه چنین وضعیتی دارند و در مورد اسامی شان نظریات متفاوتی وجود دارد و هیچگاه وجود این اختلافات سبب طعن و کاسته شدن از مقام و منزلتشان نمی گردد.

علامه مصطفی سباعی رحمه الله در این مورد می نویسد: علت اختلاف در مورد اسم ابوهریره آن است که وی از زمانی که اسلام آورد به غیر از (ابوهریره) با نامی دیگر شهرت نیافت و از آنجایی که ایشان از قبایل قریش نبود، کسی از صحابه از نام اصلیش اطلاع نداشت. امروز نیز بسیاری از مسلمانان به علت شهرت حضرت ابوبکر با کنیه اش، از اسم اصلی ایشان که «عبدالله» بوده اطلاعی ندارند. ابوهریره نیز از آنجایی که از قبیله «دوس» بود و از مکه و مدینه فاصله داشت چه اشکالی دارد اگر اسم اصلیش در میان صحابه معروف نباشد؟^(۴)

ابوهریره رضی الله عنه رجزگویان به سوی مدینه
مشهور آنست که حضرت ابوهریره در سال هفتم هجری در فاصله صلح حدیبیه و فتح خیبر به مدینه آمد و در حالی که رسول خدا صلی الله علیه و سلم از خیبر باز می گشت، خودش را به محضر رسول خدا صلی الله علیه و سلم رساند و اسلامش را اعلان نمود.

علامه ابن حجر رحمه الله با استدلال از ماجرای اسلام آوردن «طفیل بن عمر و دوسی» به نقل از هشام بن کلبی می نویسد: «و فیها أنه دعا قومه الی الاسلام فأسلم ابوه و لم تسلم أمه و أجابه أبوهریره وحده (قلت) و هذا يدل علی تقدم اسلامه»^(۵)؛ طفیل بن عمر و دوسی قومش را به سوی اسلام دعوت داد پدرش اسلام آورد اما مادرش اسلام را نپذیرفت و تنها کسی که از بین قومش اسلام را قبول نمود ابوهریره بود؛ ابن حجر می فرماید: این موضوع بیانگر تقدم اسلام ابوهریره است.

بنابراین ابوهریره رضی الله عنه قبل از هجرت رسول خدا توسط طفیل بن عمر و دوسی که خودش را به مکه رسانده بود و دعوت اسلام را برای قبیله اش برد، ایمان آورده بود.

ابوهریره رضی الله عنه می گوید که در راه مدینه این شعر را زمزمه می کردم:

یا لیلۃ من طولها و عنائها علی أنها من دائرة الکفر نجات (چه شب طولانی و رنج آوری، البته مرا از دارالکفر نجات داد).

در مسیر راه غلامم گریخت، وقتی به مدینه رسیدم و با

رسول خدا صلی الله علیه و سلم بیعت کردم ناگهان غلامم آمد، رسول خدا فرمود: این هم غلامت! در جواب گفتم: «هو لوجه الله»؛ به خاطر خدا آزاد است.^(۶)

ابوهریره عاشقانه و رجزگویان به مدینه آمد و اسلامش را با عشق و محبت و شوق و صداقت اعلان نمود و به شکرانه ملاقات و بیعت با رسول خدا، تنها سرمایه اش را که غلامش بود، آزاد نمود.

مصاحبت بی نظیر و عاشقانه ابوهریره

با رسول خدا صلی الله علیه و سلم

مورخین، محدثین و سیرت نگاران بنا بر اعتراف سایر اصحاب، بر این نکته اتفاق نظر دارند که ابوهریره با توجه به علاقه شدیدی که به رسول خدا صلی الله علیه و سلم و شنیدن احادیث وی داشت و از طرفی نیز از «اصحاب صفه» بود که اهل و عیالی نداشتند و جز مسجد نیز سرپناهی نداشتند و زندگیشان را وقف شنیدن احادیث رسول خدا و فرا گرفتن احکام دین نموده بودند، وی از معدود افرادی بود که تلاش داشت تا اکثر وقتش را در مصاحبت رسول خدا بگذراند.

امام بخاری از ابوهریره رضی الله عنه نقل می نماید: «والله الذی لا اله الا هو ان کنت لأعتمد علی الارض بکیدی من الجوع و أشد الحجر علی بطنی»؛ سوگند به ذات خدای یگانه بسا اوقات از فرط گرسنگی شکمم را به زمین می چسپاندم و بر شکمم سنگ می بستم.

در جایی دیگر می گوید: «لقد رأیتنی أصرع بین منبر رسول الله صلی الله علیه و سلم و حجره عائشة فیقال: مجنون و ما بی جنون و ما بی الا الجوع»^(۷)؛ به خاطر دارم که در بین منبر رسول خدا و حجره حضرت عایشه می افتادم. می گفتند: دیوانه است، اما من دیوانه نبودم، از فرط گرسنگی می افتادم.

حافظ ابو عبدالله حاکم نیشابوری می فرماید: «کان من احفظ اصحاب رسول الله صلی الله علیه و سلم و الزمهم له. صحبه علی شبع بطنه، فکانت یده مع یده یدور معه حیثما دار الی ان مات علیه الصلوة و السلام»^(۸)؛ حفظ ابوهریره و مصاحبتش با رسول خدا صلی الله علیه و سلم از تمام صحابه بیشتر بود. به خاطر فقر و گرسنگی ای که داشت همواره با پیامبر بود، دستش در دست پیامبر بود و هر جا پیامبر می رفت ابوهریره نیز با وی بود، تا اینکه رسول خدا صلی الله علیه و سلم از دنیا رحلت نمود.

حضرت ابوهریره بنا بر روایت مسلم می گوید: «ان اخوانی من الأنصار کان یشغلهم عمل أراضیهم و ان اخوانی

✓ **حفظ**
ابوهریره و مصاحبتش با رسول خدا صلی الله علیه و سلم از تمام صحابه بیشتر بود. دستش در دست پیامبر بود و هر جا پیامبر می رفت ابوهریره نیز با وی بود، تا اینکه رسول خدا صلی الله علیه و سلم از دنیا رحلت نمود.

من المهاجرین کان یشغلهم الصفق بالأسواق و كنت أزم رسول الله صلی الله علیه و سلم علی ملء بطنی فأشهد اذا غابوا و أحفظ اذ انسوا؛ برادران انصارم مشغول کار کشاورزی خویش بودند و برادران مهاجرم به تجارت خویش سرگرم بودند، من با توجه به گرسنگی ای که داشتم همواره در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و سلم بودم. آنگاه که آنها غائب بودند من حاضر بودم، و آنها فراموش می کردند و من حفظ می نمودم.

امام نووی در شرح این جمله ابوهریره «علی ملء بطنی» می فرماید: «ای الازمه و أقنع بقوتی و لا أجمع مالا لذخيرة و لا غیرها و لا أزید علی قوتی»؛ پیوسته بار رسول خدا بودم، به قوت لایموت قانع بودم و نه برای پس انداز و نه هدفی دیگر دنبال جمع آوری مال دنیا نمودم، و بیشتر از قوت لایموت طلب نمی کردم.^(۹)

و ابن حجر میگوید: «علی ملء بطنی»، «ای مقتنعاً بالقوت ای فلم تکن له غیبة عنه»؛^(۱۰) مفهوم «علی ملء بطنی» این است که به قوتم قانع بودم، یعنی ابوهریره هیچگاه به این خاطر از محضر رسول خدا غایب نمی شد. از سیرت ابوهریره و نظریات محدثین و راویان به وضوح ثابت می شود که این صحابی بزرگوار جهت مصاحبت بار رسول خدا صلی الله علیه و سلم سختیها و مشکلات زیادی را تحمل می نموده است و چه بسا چون دیوانگان از فرط گرسنگی به زمین می افتاده است، اما حاضر نبوده است تا جهت جمع آوری مال دنیا از حضور رسول خدا غایب شود. و از چنان خلوص و صداقتی برخوردار بوده و چنان شیدای لقاء محبوب خویش و شنیدن احادیثش بوده که کاملاً دنیا و زندگی را فراموش کرده است، نه زراعت و کسب و کار و نه هم اندیشه اهل و عیال وی را به خود مشغول می کرده است. علامه ابن کثیر دمشقی رحمه الله به نقل از سعید بن هند از ابوهریره آورده است که ابوهریره می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و سلم به من گفت: «ألا تسألنی من هذه الفنائم التي سألتی أصحابک؟ قلت: أسألك ان تعلمنی مما علمک الله»؛^(۱۱) آیا از این غنائم که یارانت خواستند، تو نمی خواهی؟ من گفتم: من آن علمی را که خداوند به تو عنایت نموده است می خواهم.

علامه ابن کثیر در جایی دیگر نقل می نماید، که دختر ابوهریره به وی گفت: «یا أبت ان البنات یعیرننی و یقلن لی: لم لا یحلیک ابوک بالذهب؟» فقال: «یا بنية! قولی لهن: أبی یخشی علی حر اللهب»؛^(۱۲) دختران به من طعنه می زنند و می گویند: چرا پدرت برایت طلا نمی خرد؟

جواب داد: دخترم! به آنها بگو پدرم از حرارت شعله های آتش جهنم بر من بیم دارد.

این است اخلاص در طلب، عشق به علم، روی گردانی از دنیا؛ سخنان ابوهریره گویای احساسات پاک و مقدسی است که جز از قلب انسان عاشق و شیفته، مخلص و وارسته بر نمی آید.

چنین فردی بعید نیست که در جواب خلیفه دوم حضرت عمر فاروق رضی الله عنه وقتی که از وی می خواهد به مسئولیتش در بحرین ادامه دهد، می گوید: «أخشی أن أقول بغیر علم و أفضی بغیر حلم»؛^(۱۳) می ترسم بدون علم سخن بگویم و بدون حلم و بردباری فیصله ای بنمایم.

ابوهریره زاهد خستگی ناپذیر

علامه ابن حجر به استناد جریری از ابی نصره از مردی از قبيلة «طفاوة» نقل نموده است که وی می گوید: «نزلت علی ابی هریره و لم أدرك من الصحابة رجلاً أشدّ تشمیراً و لا أقوم علی الضیف منه»؛^(۱۴) باری نزد ابوهریره مهمان شدم، هیچ یک از یاران رسول خدا را چون ابوهریره عابد و مهمان نواز نیافتم.

امام احمد بن حنبل با سندی صحیح از ابی عثمان نهدی نقل می کند، وی می گوید: «تصیفت ابهریره سبعاً فکان هو و امرأته و خادمه یقسّمون اللیل اثلاً یصلی هذا ثم یوقظ هذا»؛^(۱۵) هفت شبانه روز مهمان ابوهریره بودم. او و همسرش و خادمش شب را در بین خویش به سه قسمت تقسیم کرده بودند، هر یکی نوبتش را به خواندن نماز می گذارند و سپس دیگری را بیدار می نمود.

علامه ابن حجر به نقل از ابن سعد با سندی صحیح از عکرمه نقل می نماید: «ان ابهریره کان یسبح کل یوم اثنتی عشرة الف تسبیحة، یقول: أسبّح بقدر ذنبی»؛^(۱۶) ابوهریره روزانه دوازده هزار تسبیح می گفت و می فرمود: به اندازه گناهانم تسبیح می گویم.

ابونعیم در حلیه با سندی صحیح از مضارب بن جزء نقل می نماید: شبی در حال حرکت بودم، صدای مردی را شنیدم که تکبیر می گفت. با خودم گفتم: در این وقت شب چه کسی است که این گونه مشغول ذکر است. جلوتر رفتم. چشمم به ابوهریره افتاد، او گفت: اکنون شکر و سپاس الهی بر گردنم زیاد است، قبل از این به خاطر رفع گرسنگی و داشتن سرپناهی در خدمت «بنة بنت غزوان» بودم در حضر و سفر خدمت آنها را انجام می دادم و اکنون خداوند متعال وی را به عقد من در آورده است و او خدمت

ابی عثمان

نهدی می گوید:
هفت شبانه روز

مهمان

ابوهریره

بودم. او و

همسرش و

خادمش شب را

در بین خویش

به سه قسمت

تقسیم کرده

بودند، هر

یکی نوبتش را

به خواندن

نماز می گذارند

و سپس

دیگری را

بیدار می نمود.

مرا انجام می دهد.^(۳۷)

با نگاهی گذرا بر روایات فوق و دهها مورد دیگر که کتابهای سیرت و رجال در وصف این صحابی جلیل القدر از عبادت، ذکر، شکر و شب زنده داریش نقل نموده اند، بدون تردید نه تنها گوشه ای از زندگی سراسر عبادت و زهد ابوهریره و چهره واقعیش را روشن می نماید، بلکه می تواند بهترین الگو برای عبادتگزاران، شکرگزاران، ذاکران و سایر امت باشد.

ابوهریره و حافظه بی نظیرش

قبل از اینکه به بررسی این خصوصیت ابوهریره رضی الله عنه و قوت حافظه وی که ناشی از دعاء رسول خدا صلی الله علیه و سلم بود، بپردازیم؛ لازم می دانم به این نکته توجه داشته باشیم که خداوند متعال به انسانهای مناطق مختلف جهان استعدادهای متفاوتی عنایت نموده است و از آنجایی که وجود انسان پذیرنده هر استعداد و رشدی می باشد و در هر زمینه ای که جهت داده شود معمولاً به نتایج عجیب و شگفت انگیزی دست می یابد، عربها نیز در قوت حافظه و ذخیره اطلاعات سرآمد سایر ملل آن زمان بودند، به گونه ای که قصیده ای چند صد بیتی را با یکبار شنیدن به طور کامل در حافظه خود ثبت می کردند و در بازگو نمودن آن یک حرف هم جا بجا نمی شد.

آنها وقتی در بذله گویی و قصیده سرایی که انگیزه ای جز فخر و غرور نداشت به این حد از رشد و ترقی رسیده بودند، بدیهی است که در حفظ قرآن و احادیث رسول خدا صلی الله علیه و سلم که شیدای شنیدن و مجنون دریافتن آن بودند به مراتب از این بیشتر ترقی نمایند. از نظر روانشناسی و جامعه شناسی نیز جای هیچ گونه تعجب و شگفتی نیست که در چنین جامعه ای که به کارگیری حافظه و قدرت بی نظیر آن جزء امتیازاتش می باشد و از طرفی انگیزه های روحی و روانی از چنان عمق و ژرفایی برخوردار است که قابل توصیف و تشریح نمی باشد، افراد این جامعه هزاران نکته و جمله را از زبان محبوب خویش بدون کم و زیاد به حافظه بسپارند.

تاریخ رجال حدیث به اتفاق تمام مسلمین بهترین گواه بر این مطلب است، وقتی امام بخاری سیصد هزار حدیث با سند و امام احمد بن حنبل ششصد هزار حدیث و ابوزعه هفتصد هزار حدیث حفظ داشتند^(۳۸)، آیا جای تعجب است اگر ابوهریره رضی الله عنه که صحابی رسول خدا صلی الله علیه و سلم است پنج هزار حدیث حفظ داشته

باشد؟

اعتراف صحابه و ائمه بر حفظ ابوهریره رضی الله عنه
عبدالله بن عمر رضی الله عنه می فرماید: «ابوهریره خیر منی و اعلم بما یحدث»؛ ابوهریره از من بهتر است و به آنچه روایت می نماید آگاه تر است.

حضرت طلحه رضی الله عنه می فرماید: «لا أشک أن اباهریره سمع من رسول الله صلی الله علیه و سلم ما لم نسمع»؛ من تردید ندارم که ابوهریره رضی الله عنه چیزهایی را از پیامبر شنیده است که ما نشنیده ایم.

امام شافعی می فرماید: «ابوهریره أحفظ من روی الحدیث فی دهره»؛ ابوهریره قوی ترین راوی حدیث در زمانش بوده است.

حضرت عمر به ابوهریره می گفت: «ان كنت الزمنا لرسول الله صلی الله علیه و سلم و احفظنا لحدیثه»؛ یقیناً تو بیشتر از ما با پیامبر همراه بودی و بیشتر از ما احادیثش را حفظ کردی.

ابوزعه کاتب مروان می گوید: روزی مروان ابوهریره را فرا خواند و به شنیدن احادیث وی پرداخت من نیز به دستور مروان پشت پرده ای نشستم و احادیثش را در دفتری می نوشتم؛ یک سال بعد مروان دوباره ابوهریره را فرا خواند و از او خواست تا آن احادیث را بازگو نماید و از من خواست تا دفتر را ملاحظه نمایم. ابوهریره تمام آن احادیث را تکرار نمود بدون اینکه حرفی را جابه جا کند.^(۳۹)

سعید بن ابی سعید از ابوهریره روایت می کند که وی از رسول خدا صلی الله علیه و سلم سؤال نمود: «یا رسول الله من أسعد الناس بشفاعتك یوم القیامة؟ قال: لقد ظننت یا اباهریره لایسألنی عن هذا الحدیث اول منک، لما رأیت من حرصک علی الحدیث. ان أسعد الناس بشفاعتی یوم القیامة من قال: لا اله الا الله من قلبه»؛ ای پیامبر روز قیامت چه کسی بیش از همه مستحق شفاعت شما می گردد؟ رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمود: آری ابوهریره! از آنجایی که شوق تو را بر فرا گرفتن حدیث مشاهده کرده ام تصورم همین بود که کسی قبل از تو این موضوع را از من سؤال نمی کند. سعادت مندترین انسان به شفاعت من در روز قیامت کسی است که از ته دل لا اله الا الله بگوید.^(۴۰)

ابن سعد از نافع نقل می کند، وی می گوید: «كنت مع ابن عمر فی جنازة ابی هریره و هو یمشی امامنا و یكثر الترحم علیه و یقول: کان ممن حفظ حدیث رسول الله صلی الله علیه و سلم علی المسلمین»؛^(۴۱) با ابن عمر در

✓ وقتی امام بخاری سیصد هزار حدیث با سند و امام احمد بن حنبل ششصد هزار حدیث و ابوزعه هفتصد هزار حدیث حفظ داشتند، آیا جای تعجب است اگر ابوهریره رضی الله عنه که صحابی رسول خدا صلی الله علیه و سلم است پنج هزار حدیث حفظ داشته باشد؟

تشییع جنازه ابوهریره شرکت داشتیم. ابن عمر پیشاپیش ما حرکت می کرد و به کثرت برای ابوهریره دعای رحمت می نمود و می گفت: او کسی بود که احادیث رسول خدا صلی الله علیه و سلم را برای مسلمانان حفظ نمود.

با توجه به نظرات صحابه و ائمه بزرگ که حاکی از جایگاه والای ابوهریره در حفظ حدیث است به خصوص تشخیص رسول خدا صلی الله علیه و سلم در مورد شوق فوق العاده ابوهریره در حفظ احادیث، تصور نمی کنم کسی در این زمینه نسبت به این شخصیت بزرگ تردید داشته باشد و با وجود تأیید چنین شخصیت‌هایی به خود اجازه دهد تا در مورد ابوهریره بر خلاف نظر آنها، اظهار نظر نماید.

هشتصد دلیل بر صحت روایات

و صداقت ابوهریره رضی الله عنه

امام بخاری رحمه الله علیه می فرماید: هشتصد تن از اهل علم، صحابه و تابعین از ابوهریره حدیث نقل نموده اند؛ در جمع صحابه افرادی چون ابن عمر، ابن عباس، جابر، انس، و ائله بن اسقع رضی الله عنهم و در جمع تابعین سعید بن مسیب (داماد ابوهریره)، عطاء بن ابی رباح، عطاء بن یسار و غیره وجود دارند.^(۳) قطعاً توجه کبار صحابه و بزرگان تابعین و نقل احادیث وی و اعترافشان مبنی بر مصاحبت مستمر و مداوم وی با رسول خدا صلی الله علیه و سلم بیانگر صداقت و عظمت و مقام و جایگاه این صحابی بزرگوار است، لزوماً اگر آنها کوچکترین تردیدی در صحت روایاتش می داشتند و یا بر حافظه ابوهریره اعتماد نمی داشتند، از وی حدیث نقل نمی کردند.

بنابر نظر امام بخاری رحمه الله علیه روایت هشتصد تن از صحابه و تابعین و اهل علم از ابوهریره رضی الله عنه به منزله هشتصد دلیل و برهان بر صداقت این شخصیت می باشد. و همچنین می توان گفت که هشتصد مورد تردید و تکذیب است علیه آن دسته از مستشرقین متعصب و حسود که عداوت و کینه توزی شان مانع از پذیرفتن حقیقت گردیده است و برای زیر سؤال بردن احکام دین در مورد روایات حضرت ابوهریره به شبهه افکنی پرداخته اند.

پاسخ ابوهریره رضی الله عنه به منتقدانش

امام مسلم روایتی را ذکر کرده است که ابوهریره

رضی الله عنه در آن گفته است: «شما گمان می کنید ابوهریره احادیث زیادی از رسول خدا روایت می کند (والله الموعود)؛ خداوند مرا اگر مرتکب دروغ شدم و کسی که به من گمان سوء دارد محاسبه کند.»^(۴) و مهاجرین و انصار دارای چنان روایاتی نیستند. آری اعلت آن بود که برادرانم از مهاجرین به کسب و تجارت خویش در بازار مشغول بودند و برادرانم از انصار به زراعت و کشاورزی خویش، اما من که از تجارت و زراعت فارغ بودم با شکمی گرسنه در مجلس رسول خدا صلی الله علیه و سلم بودم. آنها غایب بودند و من حاضر. روزی رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمود: کدام فرد از شما دانش را پهن می نماید تا حدیثم را دریابد و سپس دانش را به آغوش گیرد و دوباره احادیثم را فراموش نکند؟ من چنین نمودم و از آن به بعد هیچ حدیثی را فراموش نکردم.

ابوهریره رضی الله عنه در ادامه می گوید: اگر این دو آیه در قرآن نمی بود من هرگز حدیث بیان نمی کردم^(۵): «ان الذین یکتبون ما أنزلنا من البینات و الهدی من بعد ما ینتاه للناس فی الکتاب اولئک یلعنهم الله و یلعنهم اللاعنون الا الذین تابوا و أصلحوا و ینبوا فأولئک أتوب علیهم و أنا التواب الرحیم»^(۶) کسانی که پنهان می دارند آنچه را که از دلائل روشن و هدایت فرو فرستادیم، بعد از آنکه آن را برای مردم در کتاب بیان و روشن نموده ایم، خداوند و نفرین کنندگان ایشان را نفرین می کنند، مگر کسانی که توبه کنند و به اصلاح خود بپردازند و آشکار سازند. توبه چنین کسانی را من می پذیرم و من توبه پذیر و مهربانم.

ابوهریره رضی الله عنه در موضوع کثرت روایات خویش به نکات مهمی اشاره می نماید، نخست همراهی و حضور پیوسته اش در مسجد رسول الله صلی الله علیه و سلم، و خاطر نشان می نماید که در حالی که سایر صحابه طبعاً به زندگی روزانه خویش سرگرم بودند و به هیچ وجه توان ترک زندگی و فاصله گرفتن از امور خانواده و اهل و عیال را مانند ابوهریره نداشتند، و این فرصتی بود بی نظیر که صرفاً فردی چون ابوهریره از آن برخوردار بود. و این مزیت ابوهریره نیز بر کسی از صحابه و تابعین پوشیده نبود.

حرص ابوهریره بر شنیدن احادیث و علاقه روز افزون وی نکته دیگری بود که بر حضور خستگی ناپذیرش می افزود و جالب اینجاست که رسول خدا صلی الله علیه و سلم نیز متوجه شوق ابوهریره بود و فرمود: «لقد ظننت یا اباهریره لایسألنی عن هذا الحدیث اول منک لما رأیت من حرصک علی الحدیث».

بنابر نظر

امام بخاری

رحمة الله علیه

روایت هشتصد

تن از صحابه و

تابعین و اهل

علم از

ابوهریره

رضی الله عنه

به منزله

هشتصد دلیل

و برهان بر

صداقت این

شخصیت

می باشد.

نکته دیگر دعاء رسول خدا صلی الله علیه و سلم است که تحت عنوان حدیث «بسط ثوب» مشهور است و ائمه حدیث همچون امام بخاری، مسلم، احمد، نسائی و غیره آن را نقل نمودند و ابن حجر بعد از واقعه مزبور می فرماید: «الحدیث المذكور من علامات النبوة فان أباهريرة كان أحفظ الناس لأحاديث النبوة في عصره».

از همه مهمتر اینکه حضرت ابوهریره رضی الله عنه بنا بر دو آیه سوره بقره خودش را ملزم به بیان احادیث می داند و اجتناب از روایت را کتمان علم که مستلزم لعن و نفرین باری تعالی است می داند. و بدیهی است که وی با توجه به خشیت و زهدی که از آن برخوردار بود و علمی که به آن آراسته بود به هیچ وجه برایش ممکن نبود تا آنچه را از احادیث رسول خدا به خاطر دارد بر زبان نیاورد و در ادای امانت کوتاهی کند.

✓ حضرت ابوهریره رضی الله عنه بنا بر دو آیه سوره بقره خودش را ملزم به بیان احادیث می داند و اجتناب از روایت را کتمان علم که مستلزم لعن و نفرین باری تعالی است می داند.

تحلیل ابو عبدالله حاکم نیشابوری به نقل از استادش ابوبکر بن خزیمه در مورد حضرت ابوهریره
در پایان این موضوع لازم می دانم تا جهت اطلاع بیشتر از انگیزه ها و عواملی که در طول تاریخ برخی را بر آن داشته است تا حضرت ابوهریره را مورد تنقید قرار دهند، از زبان محدث جلیل القدر شیخ ابوبکر بن خزیمه که شاگردش حاکم نیشابوری نقل می نماید، بشنویم.
حاکم نیشابوری در مستدرک، جلد سوم، فصلی را به بیان فضایل حضرت ابوهریره اختصاص داده است و در پایان فصل سخنان استادش ابن خزیمه را ذکر کرده است. حقا که علامه ابن خزیمه با توجه به علم و آگاهی و دقت و کارشناسی ای که داشته است از نکات مهمی پرده برداشته و نظرش برای همیشه در طول تاریخ می تواند برای اهل علم و تحقیق راه گشا باشد.
علامه ابن خزیمه می فرماید:

«کوردلانی که از معانی احادیث بی خبرند و در مورد ابوهریره رضی الله عنه لب به اعتراض می گشایند از چند حالت خالی نیستند، یا جهمیها (بیروان جهم بن صفوان که منکر بسیاری از صفات الهی بودند) هستند که روایات ابوهریره را بر خلاف مذهبشان می دانند و به سب و شتم وی می پردازند و یا خوارج هستند که معتقد به اطاعت از هیچ امامی و خلیفه ای نیستند و کشیدن شمشیر را بر امت محمدی جاز می دانند و یا قدریه هایی هستند که معتقد به تقدیر نیستند و روایات ابوهریره را بر خلاف مسلک خویش و اثبات کننده تقدیر می بینند و ناگزیر وی را مورد تردید قرار می دهند»^(۲۶).

یقیناً اگر علامه ابن خزیمه رحمه الله مستشرقین و عقل گرایانی را که امروزه احادیث ابوهریره را با دید تردید می نگرند مشاهده می نمود، آنها را نیز در لیست کوردلان فوق می افزود.



پیوسته

- (۱) برای تفصیل بیشتر مراجعه شود به مجله ندای اسلام شماره ۸، مقاله «عدالت صحابه» به قلم مولانا عبدالغنی بدری.
- (۲) الاصابة فی تمییز الصحابة ۲۰۴/۴، داراحیاء التراث العربی، چاپ اول ۱۳۲۸ ه. ق.
- (۳) الاصابة ۲۰۶/۴، و فی هامشه الاستیعاب.
- (۴) السنة و مکانتها فی التشریح الاسلامی، ص: ۳۲۱، المکتب الاسلامی، چاپ چهارم ۱۴۰۵ ه. ق.
- (۵) الفتح الربانی ۸۲/۸، داراحیاء التراث العربی بیروت.
- (۶) الفتح الربانی ۸۳/۸.
- (۷) به نقل از السنة و مکانتها فی التشریح الاسلامی.
- (۸) المستدرک ۵۱۳/۳، دارالمعرفه.
- (۹) صحیح مسلم مع شرح نووی ۳۹۴/۱۶، داراحیاء التراث العربی.
- (۱۰) الفتح الربانی ۳۳۷/۴.
- (۱۱) البداية و النهایة ۱۱۷۸.
- (۱۲) مرجع سابق.
- (۱۳) البداية و النهایة ۱۱۳/۸.
- (۱۴) الاصابة ۲۰۷/۴.
- (۱۵) احمد عبدالرحمن البناء، الفتح الربانی لترتیب مسند امام احمد بن حنبل الشیبانی ۴۱۰/۲۲.
- (۱۶) الاصابة فی تمییز الصحابة ۲۰۹/۴.
- (۱۷) حلیة الأولیاء ۳۸۰/۱، دارالکتب العربی.
- (۱۸) السنة و مکانتها فی التشریح الاسلامی، ص: ۲۵۹.
- (۱۹) الفتح الربانی لترتیب مسند امام احمد بن حنبل ۴۱۳/۲۲.
- (۲۰) طبقات ابن سعد ۳۶۴/۲.
- (۲۱) طبقات ابن سعد ۳۴۰/۴.
- (۲۲) الاصابة بهامشه الاستیعاب ۲۰۹/۴.
- (۲۳) امام نووی در شرح «والله الموعود».
- (۲۴) صحیح مسلم بشرح نووی ۵۴/۱۶.
- (۲۵) بقره ۱۵۹ - ۱۶۰.
- (۲۶) مستدرک حاکم ۵۱۳/۳.